

ملت ایران درسهای اسلامی و شیعی خودش را خوب بلد است؛ میدانند که چه کار کند. امام حسین (علیه السلام) فرمود: مثلی لا یُباعُ مِثلُ یزید؛ کسی مثل من، با کسی مثل یزید بیعت نمیکند. ملت ایران در واقع میگویند: مثلی مثل ما، با این فرهنگ، با این سابقه، با این معارف عالی، با سرمدمدارانی مثل افراد فاسدی که امروز در آمریکا بر سر کارند، بیعت نخواهد کرد.

۱۴۰۴/۱۱/۲۸

▼ حرف روز جنگ با ایران؛ بلایی بر سر اقتصاد آمریکا

تنگه هرمز که قبل از جنگ، روزانه حدود ۲۰ درصد از نفت جهان از آن عبور می‌کرد، این روزها به کانون اصلی درگیری تبدیل شده است. هر خبری درباره تشدید یا کاهش تنش در این منطقه، کافی است تا بازارهای انرژی را به لرزه درآورد. قیمت بالاتر سوخت، هزینه حمل‌ونقل، تولید و کالاهای مصرفی را افزایش می‌دهد و فشار تورمی را به خانه‌های آمریکایی می‌برد. در چنین شرایطی، فدرال رزرو نیز بین دو آتش کنترل تورم و جلوگیری از رکود، گرفتار شده است. اما عمیق‌ترین زخم این جنگ بر پیکر اقتصاد آمریکا، جایی در وال‌استریت یا پنتاگون نیست؛ بلکه در مزارع آمریکاست. کشاورزی مدرن ایالات متحده به شدت به انرژی وابسته است. از گازوئیل ماشین‌آلات کشاورزی گرفته تا گاز طبیعی که ماده اولیه تولید کودهای نیتروژنی است و سوخت حمل‌ونقل که محصولات را از مزرعه به بازار می‌رساند. وزارت کشاورزی آمریکا بارها هشدار داده که افزایش قیمت انرژی، هزینه تولید را بالا می‌برد و درآمد کشاورزان را کاهش می‌دهد. اما در این جنگ، قضیه فراتر از افزایش قیمت سوخت است. اختلال در تنگه هرمز، عرضه جهانی کودهای شیمیایی را نیز محدود کرده است. در هفته‌های اول جنگ، قیمت اوره در بازارهای جهانی تقریباً دو برابر شد و کشاورزان آمریکایی را با افزایش همزمان قیمت سوخت و کمبود کود مواجه کرد. افزایش هزینه‌ها تنها یک روی سکه است. روی دیگر آن، اختلال در صادرات است. کشاورزی آمریکا برای بقای خود به بازارهای خارجی وابسته است، اما جنگ با ایران، هزینه حمل‌ونقل دریایی را چند برابر کرده و بیمه‌های ریسک جنگ، کشتی‌داران را به تعلیق عبور از مناطق پر تنش ترغیب کرده است. حتی اگر محموله‌های کشاورزی مستقیماً از تنگه هرمز عبور نکنند، قیمت بالای انرژی و اختلالات در خلیج فارس و دریای سرخ، هزینه کل تجارت را افزایش می‌دهد. تجربه تلخ جنگ تجاری ترامپ با چین نیز نشان داد که از دست دادن بازارها، پایانی ندارد. صادرات سویا آمریکا به چین در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ حدود ۷۴ درصد کاهش یافت و بازگرداندن این بازارها حتی پس از پایان بحران، بسیار دشوار بود. این فشار اقتصادی در زمانی به کشاورزی آمریکا تحمیل می‌شود که بخش کشاورزی این کشور از قبل با بدهی ۶۲۴ میلیارد دلاری دست و پنجه نرم می‌کند. ترکیب هزینه‌های بالاتر، سود کمتر، صادرات دشوارتر و تأمین مالی گران‌تر، توان مزارع خانوادگی را برای تحمل شوک جدید محدود می‌کند. جالب اینجاست که بسیاری از این مزارع در ایالت‌هایی قرار دارند که از سیاست‌های ترامپ حمایت کرده‌اند. کشاورزانی که روزی به وعده «آمریکا اول» رأی دادند، اکنون دارند بهای جنگی را می‌پردازند که به جای تقویت اقتصاد، آن را تضعیف کرده است.

(علی قاسمی)

▼ گزارش روز

از مداخله نظامی تا چپاول نفت ونزوئلا

حمله متجاوزانه آمریکا به ونزوئلا و رایبش نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهور این کشور، تنها یک مداخله سیاسی و نظامی نبود؛ بلکه زمینه را برای چپاول منابع نفت و تسلط واشنگتن بر صادرات و درآمدهای نفتی کاراکاس فراهم کرد. دولت ترامپ اکنون از فروش میلیاردها دلار نفت ونزوئلا سخن می‌گوید، اما سازوکار نگهداری و هزینه‌کرد این درآمدها همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. از نگاه صاحب‌نظران، آنچه واشنگتن با ادعای سامان‌دهی اقتصاد ونزوئلا توجیه می‌کند، در عمل به الگویی از مداخله تبدیل شده است که در آن، قدرت خارجی پس از کنار زدن ساختار سیاسی یک کشور، جریان درآمدهای راهبردی آن را نیز تحت اختیار خود قرار می‌دهد.

بر اساس گزارش‌های منتشرشده، واشنگتن پس از اقدام خصمانه علیه دولت کاراکاس، کنترل مسیر صادرات نفت ونزوئلا را در اختیار گرفت و سازوکاری ایجاد کرد که درآمدهای حاصل از فروش نفت، به جای ورود مستقیم به خزانه این کشور، از کانال‌های مالی تحت مدیریت آمریکا عبور کنند. دولت آمریکا با صدور مجوزهای ویژه، امکان فعالیت برخی شرکت‌های بزرگ بازرگانی نفت را در صادرات نفت ونزوئلا فراهم کرد و مدیریت فروش بخش قابل توجهی از نفت این کشور را در اختیار گرفت. ترامپ اعلام کرد که از محل فروش نفت ونزوئلا تاکنون بیش از ۱۳ میلیارد دلار درآمد حاصل شده است؛ درآمدی که به ادعای او پس از قرار گرفتن دارایی‌های نفتی ونزوئلا تحت کنترل آمریکا به دست آمده است.

همزمان با افزایش کنترل آمریکا بر صادرات نفت، تولید نفت ونزوئلا نیز روندی صعودی پیدا کرد. آمارها نشان می‌دهد تولید روزانه این کشور از حدود ۸۲۰ هزار بشکه در ژانویه به حدود یک میلیون و ۲۳۰ هزار بشکه در ژوئن افزایش یافته است. اما این رشد تولید به معنای بازگشت اختیار درآمدهای نفتی به دولت ونزوئلا نبود، زیرا بخش عمده درآمدهای حاصل از این افزایش تولید، در سازوکار مالی طراحی‌شده از سوی آمریکا مدیریت شد. به این ترتیب، مسئله اصلی دیگر صرفاً میزان نفت تولیدشده یا ارزش صادرات آن نیست، بلکه این پرسش مطرح می‌شود که ثروتی که از منابع طبیعی ونزوئلا به دست می‌آید، در اختیار چه نهادی قرار می‌گیرد؟ نبود شفافیت درباره محل نگهداری و نحوه هزینه‌کرد درآمدهای نفتی، حتی در داخل آمریکا نیز با انتقاد برخی مراکز پژوهشی و نمایندگان کنگره روبه‌رو شده است. دولت ترامپ با صدور فرمان اجرایی شماره ۱۴۳۷۲، سازوکار مالی ویژه‌ای برای مدیریت دارایی‌های نفتی ونزوئلا ایجاد کرد، اما تاکنون هیچ گزارش عمومی درباره جزئیات تراکنش‌ها، مانده حساب‌ها یا نحوه هزینه‌کرد این منابع منتشر نشده است. حتی برخی مقام‌های مسئول نیز اطلاع دقیقی از میزان منابع باقی‌مانده در این حساب‌ها نداشته‌اند. آنچه امروز در ونزوئلا رخ داده، آزمونی برای سنجش اصل «حاکمیت دائمی ملت‌ها بر منابع طبیعی» است. آمریکا با در اختیار گرفتن مسیر صادرات، شبکه‌های مالی و سازوکار دریافت درآمدهای نفتی، عملاً زنجیره ارزش صنعت نفت ونزوئلا را تحت نفوذ خود قرار داده است.

(علی فاتح)

▼ خبر ویژه

بن‌سلمان در چاهی که برای یمن کند، افتاد

شبکه سی‌ان‌ان در گزارشی تحلیلی اعلام کرد که حملات موشکی و پهپادی نیروهای مسلح یمن به تأسیسات نفتی و کشتیرانی عربستان، این کشور را درگیر یک «کلبوس» نظامی و اقتصادی کرده و صادرات نفت عربستان از طریق باب‌المندب را حداقل به نصف کاهش داده است. به نوشته این گزارش، عربستان که سال‌ها یمن را محاصره زمینی و دریایی کرده بود، اکنون با محاصره‌ای مشابه از سوی نیروهای مسلح یمن مواجه شده و «بن‌سلمان در چاهی که برای یمن کند، افتاده است». سی‌ان‌ان با اشاره به تاریخ جنگ در یمن که به بیش از یک دهه پیش بازمی‌گردد، تأکید کرده که علیرغم تلاش‌ها برای اجتناب از درگیری، عربستان به جنگ کشیده شده و نیروهای مسلح یمن به عنوان تهدیدی مستقیم برای ریاض ظهور کرده‌اند. این شبکه آمریکایی به نقل از دانی سیتیرینویچ، رئیس پیشین شعبه ایران در بخش اطلاعات نظامی رژیم صهیونی، نوشت که مشکل اساسی ریاض این است که یمنی‌ها از آستانه سیاسی و نظامی عبور کرده‌اند و دیگر حاضر به بازگشت به وضعیت سابق نیستند. این گزارش در پایان تأکید کرد که تنش‌های اخیر تأثیر مستقیمی بر بازارهای جهانی نفت داشته و ادامه این روند می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری برای اقتصاد و امنیت عربستان به همراه داشته باشد.

اعتراف به قدرت سایبری ایران

نیکیتا شاه، کارشناس ارشد سایبری مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی (CSIS)، در گزارشی تحلیلی با اشاره به افزایش محسوس عملیات سایبری ایران از مارس ۲۰۲۶، تأکید کرد که دستگاه سایبری ایران در حال تبدیل شدن به «تنگه دوم» برای فرسایش قوای آمریکا و متحدانش است. به گفته این کارشناس، ایران با بازتنظیم دکترین سایبری خود در هماهنگی با راهبرد جنگ نامتقارن، از توانمندی‌های سایبری برای جاسوسی، ایجاد دسترسی‌های فنی، عملیات اخلاص‌گر، جنگ اطلاعاتی، استقرار جاسوس‌افزارها و عملیات مرتبط با درگیری استفاده می‌کند. او با اشاره به هک سامانه VSS توسط ایران برای شناسایی محل استقرار نیروهای آمریکایی در خاورمیانه و هدف‌گیری مقامات ارشد آمریکا و رژیم صهیونی، اعتراف کرد که ایران از هوش مصنوعی در سراسر چرخه حیات عملیات سایبری و اطلاعاتی خود، از نوشتن کد و توسعه بدافزار تا مهندسی اجتماعی و تولید محتوا، بهره گرفته است. کارشناس سایبری CSIS با اشاره به حملات اخیر به تأسیسات آب‌رسانی آمریکا، این حملات را در چارچوب الگوی «تشدید تنش کنترل‌شده» ایران ارزیابی کرد و گفت که اگر تأیید شود این حملات از سوی ایران انجام شده‌اند، «اهرم فشار دیگری از مجموعه ابزارهای نامتقارن در اختیار ایران قرار گرفته است که می‌تواند توان آمریکا را بیش از پیش فرسایش دهد.» او پیش‌بینی کرد که عاملان سایبری ایران در حال آماده‌سازی دسترسی‌های فنی جدید و توسعه توانمندی‌های سایبری بیشتری هستند تا در صورت ادامه طولانی مدت درگیری از آنها بهره بگیرند.

سپاه با اقتدار، عبور و مرور در هرمز را مدیریت می‌کند

مرکز عملیات تجارت دریایی انگلیس در جدیدترین گزارش خود با اشاره به کاهش چشمگیر تردد نفتکش‌ها در تنگه هرمز، به ادامه نظارت و کنترل سپاه بر کشتی‌های عبوری از این آبراه استراتژیک اذعان کرد و نوشت که «حجم ترافیک کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز همچنان در سطوح پایینی قرار دارد.» به گزارش این مرکز، داده‌های مستقل ردیابی کشتی‌ها نشان می‌دهد که تعداد نفتکش‌های عبوری از این تنگه در هر دو جهت کاهش چشمگیری داشته و حرکت کشتی‌های تجاری در مقایسه با شرایط عادی به شدت محدود شده است. این مرکز انگلیسی با اشاره به آنچه «ادامه حملات و اقدامات نظارتی و امنیتی سپاه پاسداران» در این آبراه خوانده، آورده است که این اقدامات نشان از عزم ایران برای اعمال حضور خود در طول مسیرهای اصلی تردد و ادامه فشار بر کشتی‌های عبوری دارد. این گزارش در ادامه افزود که جنگ آمریکا و رژیم صهیونی علیه ایران و محاصره دریایی، تردد در این آبراه حیاتی را به شدت کاهش داده و ایران با اعمال کنترل بر تنگه هرمز، توانسته است اهرم فشار قدرتمندی را در برابر واشنگتن و متحدانش ایجاد کند. همچنین ادامه این وضعیت می‌تواند به بحران انرژی در سطح جهانی منجر شود و اقتصاد بسیاری از کشورها را با چالش جدی مواجه کند.

بن‌بست در مذاکرات دولت لبنان و رژیم صهیونی

یک منبع دیپلماتیک لبنانی به شبکه المیادین گفت که هیچ برنامه‌ای برای برگزاری دور جدیدی از مذاکرات میان لبنان و رژیم صهیونی در ماه آینده وجود ندارد و در صورت توافق بر سر ادامه گفتگوها، احتمالاً این نشست‌ها به بعد از تابستان جاری موکول خواهد شد. به گفته این منبع مطلع، مواضع طرف‌های آمریکایی و صهیونیست مانع از پیشرفت در گفتگوها شده و بن‌بست در روند مذاکرات را رقم زده است. بر اساس این گزارش، فرستادگان آمریکا و رژیم صهیونی درخواست لبنان برای گسترش «مناطق آزمایشی» را رد کرده و شرط موافقت با آن را تحقق «پیشرفت واقعی» در دو منطقه قبلی عنوان کرده‌اند. همچنین هیئت‌های آمریکایی و رژیم صهیونی در این نشست‌ها خواستار خروج نیروهای حزب‌الله از ارتفاعات «علی الطاهر» در منطقه النبطیه شده‌اند. نمایندگان دولت لبنان نیز ادعای رژیم صهیونی مبنی بر اینکه تمامی انفجارهای رخ داده در جنوب لبنان ناشی از هدف قرار دادن زیرساخت‌های نظامی بوده است را تکذیب کرده‌اند. این گزارش در حالی منتشر می‌شود که تنش‌ها در جنوب لبنان همچنان ادامه دارد و ارتش رژیم صهیونی با نقض مکرر آتش‌بس، به حملات خود علیه شهرک‌ها و زیرساخت‌های غیرنظامی ادامه می‌دهد. حزب‌الله نیز در واکنش به این تجاوزات، حملات موشکی و پهپادی خود را علیه مواضع نظامیان صهیونیست در شمال فلسطین اشغالی و جنوب لبنان افزایش داده است.

◀ سازمان امداد و نجات غزه اعلام کرد نیروهای اشغالگر صهیونیست به سمت غیرنظامیان فلسطینی در جباليا واقع در شمال نوار غزه تیراندازی کرده و تعدادی زخمی شده‌اند. همچنین توپخانه ارتش رژیم صهیونی مواضعی را در خان‌یونس، اردوگاه البریج و بیت‌لاهیبا زیر آتش گرفت. این حملات در پی مخالفت بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونی، با سند ۱۵ ماده‌ای پایان جنگ صورت گرفت. نتانیاهو تأکید کرد ارتش این رژیم تا «خلع سلاح کامل حماس» هیچ عقب‌نشینی نخواهد داشت. پایگاه اکسیوس به نقل از یک مقام ارشد آمریکایی گزارش داد کاخ سفید این موضع را انتخاباتی می‌داند.

◀ سروس شایگ، استاد تاریخ و سیاست بین‌الملل در مؤسسه تحصیلات تکمیلی ژنو، با اشاره به کاهش ذخایر تسلیحاتی آمریکا گفت: «ذخایر موشک‌ها و سامانه‌های دفاع موشکی ایالات متحده به‌طور قابل‌توجهی کاهش یافته است.» وی افزود: «این کاهش ذخایر، با توجه به ضرورت حفظ توان کافی برای مقابله با تهدیدها و چالش‌هایی فراتر از منطقه غرب آسیا، به نگرانی مهمی برای ارتش آمریکا تبدیل شده است.» شایگ تصریح کرد: «محاسبات راهبردی واشنگتن شرق آسیا را نیز دربرمی‌گیرد و وضعیت ذخایر نظامی آمریکا می‌تواند بر گزینه‌های این کشور در صورت تشدید دوباره تنش‌ها با ایران تأثیر بگذارد.»

◀ نصرالدین عامر، عضو ارشد جنبش انصارالله یمن، با هشدار به عربستان سعودی گفت: «آنچه در انتظار عربستان سعودی و نیروها و عوامل وابسته به آن است، چیزی فراتر از تصور خواهد بود.» وی همچنین آینده یمن را در گرو آزادی، استقلال، رفاه و شکوفایی این کشور دانست و بر ادامه مسیر مقاومت و جهاد تأکید کرد. این هشدار در حالی مطرح می‌شود که ارتش یمن طی ساعات گذشته مواضع نظامیان سعودی و مراکز تسلیحاتی آنها را هدف حملات گسترده موشکی و پهپادی خود قرار داده است.

◀ مارک اسپر، وزیر جنگ پیشین آمریکا، با اذعان به برتری ایران گفت: «این نشان می‌دهد آنها معتقدند دست بالا را دارند و فکر می‌کنند در حال پیروزی هستند؛ و در واقع همین‌طور هم هست. این چیزی است که ما اکنون با آن مواجه هستیم.» وی افزود: «شرط جدید ایران برای بازگشایی تنگه هرمز نشان می‌دهد رهبران ایران نسبت به موقعیت خود در مذاکرات و اهرم فشاری که از طریق کنترل تنگه هرمز در اختیار دارند، اطمینان پیدا کرده‌اند.»

◀ اسحاق دار، وزیر خارجه پاکستان، با اشاره به توافق سه‌جانبه دفاعی مکه گفت: «این توافق ماهیت کاملاً دفاعی دارد و هیچ کشوری را هدف قرار نداده است.» وی افزود: «تنها هدف توافق‌نامه دفاعی مشترک مکه، تقویت بیشتر تلاش‌های مشترک جاری برای صلح، ثبات و رفاه در منطقه وسیع‌تر است.» دار تأکید کرد: «طبق این توافق‌نامه، هرگونه حمله مسلحانه خارجی به هر یک از سه کشور حمله به همه تلقی می‌شود که مطابق با حق ذاتی دفاع از خود فردی و جمعی طبق ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد است.»